

کالا و مبادله

آغاز دوری انسان از زندگی اولیه خود

ف. م. جوانشیر

فصل دوم - کالا و تولید کالایی

۲- پیدایش کالا و تولید کالایی

بررسی های تاریخی ثابت می کند که محصولات مورد نیاز انسان همواره کالا نبوده اند. یعنی از طریق مبادله و خرید و فروش بدست مصرف کننده نمی رسیدند، بلکه بطور مستقیم در اختیار او قرار می گرفته اند. در جامعه اشتراکی بدوى مالکیت مشترک وجود داشت، یعنی همه اشیایی که در یک کمون تولید می شد محصول کار مشترک اعضای کمون بود و توسط خود آن ها بدون آن که مبادله ای انجام شود به مصرف می رسید. هر عضو کمون که به غذا نیاز داشت، می خورد، بدون آن که نان مصرفی خود را در ترازو بکشد و برابر آن، چیزی بپردازد. در آینده - در جامعه کمونیستی - نیز انسان ها برای دسترسی به اشیاء و محصولات مورد نیاز خویش مجبور خواهند بود مبادله انجام دهند. هر کس هر قدر که استعداد و قدرت دارد برای جامعه کار و تولید خواهد کرد و هر قدر مورد نیاز اوست تحويل خواهد گرفت. بدون این که میان این دو مبادله ای انجام شود.

در جوامع سوسیالیستی نمونه های از این نوع روابط پدید آمدند، همچنان که در کوبا هست. مثلا در بیمارستان های این کشورها دارو و غذای بیماران کالا نبود و به بیماری که در بیمارستان می خوابید، هر قدر دارو که نیازمند باشد، می دادند و هر قدر غذا که برای او ضرور و سودمند بود در اختیارش می گذاشتند و در مقابل آن چیزی نمی گیرفتند.

محصولات کار انسانی در شرایط معین تاریخی بدل به کالا شدند و آن زمانی بود که صاحبان و مالکین مختلف، محصولات خود را با هم مبادله کردند و طبعا این مسئله میان آن ها مطرح شد که چه مقدار از یک محصول را در برابر چه مقدار از محصول دیگر مبادله کنند. محصولات کار انسانی که قبل اکسی کسی آن ها را با هم مقایسه نکرده بود، با هم مقایسه شدند و از این زمان ارزش مبادله پیدا کردند.

برای این که خصلت تاریخی کالا و مبادله بهتر درک شود، بجاست یاد آوری کنیم که نه تنها در گذشته های دور، بلکه تا قبل از پیدایش و گسترش سرمایه داری بسیاری از محصولات کار انسان کالا نبودند و نه برای مبادله بلکه برای مصرف بدون مبادله تولید می شدند. با سلطه سرمایه داری است که همه چیز کالا می شود و این تحول کیفی پدید می آید که حتی نیروی کار انسان نیز کالا می شود. هنوز در کشور ما بقایای اقتصاد پیش از سرمایه داری وجود دارد و نسل معاصر ایران می تواند به چشم ببیند که چگونه اشیاء معین کالا نبوده اند و شاید هنوز هم اینجا و آنجا کالا نباشند، ولی دارند کالا می شوند. تا همین گذشته نزدیک دهقانان و عشایر ایران بسیاری از اشیاء مورد نیاز خویش را خود تولید و مصرف می کردند. برای آن ها نانی که از محصول گندم خود در تنور خانه خویش می پختند کالا نبود. گلیمی که خود می بافتند و زیرپای خویش می انداختند، کالا محسوب نمی شد، لباس و جوراب و چارقی که خود از پشم و پوست گوسفندان خویش می ساختند کالا نبود. بدین معنا

که آن ها برای بdst آوردن این اشیاء با کسی رابطه مبادله برقرار نکرده و شیئی مورد نیاز خویش را با شیئی دیگر مبادله نمی کردند. بلکه آنچه را که خود لازم داشتند تولید و مستقیماً مصرف می کردند. در این اقتصاد طبیعی که البته عقب مانده است، مبادله وجود نداشت و هنوز هم در بسیاری از شهرها و دهات ایران محصولات معین کالا نیست و مردم عادت نکرده اند که آن ها را کالا بدانند. اما با رشد مناسبات سرمایه داری همه چیز به سرعت کالا می شود. در بسیاری از شهرستان ها گل کالا نیست و مغازه ای برای فروش آن وجود ندارد، ولی در تهران کسانی هستند که دسته گل وارداتی می خرند. به عبارت دیگر گل خود به خود کالا نیست. اما در روند تکامل بدل به کالا شده، تا جایی که به بازار بین المللی راه یافته است.

آنچه هم اکنون در جلوی چشم نسل معاصر ایران می گذرد، قابل لمس ترین بیان این واقعیت است که کالا و مبادله، مقوله های تاریخی می باشند. پدید می آیند، رشد می کنند و مانند هر پیدایش و رشدی پایانی جز نابودی به معنای تحول کیفی ندارند.

بررسی های علمی که تاکنون انجام گرفته نشان می دهد که نخستین مبادله ها در هفت یا هشت هزار سال قبل آغاز شد. قبیل از آن بشر اولیه مبادله را نمی شناخت. چرا که اصولاً تکامل تولید به حدی نرسیده بود که شرایط مبادله را فراهم آورد. پیدایش مبادله و بدل شدن محصولات کار انسانی به کالا بیانگر مرحله معینی از تکامل تولید است.

برای مبادله سه شرط لازم است:

۱. هریک از دو طرف مبادله، مالک محصول خود باشد.
۲. هریک از انها محصولی غیر از دیگری تولید کرده باشد.
۳. هریک محصولی بیش از نیاز خود تولید کرده باشد.

این شرایط با تقسیم کار اجتماعی و بالا رفتن بارآوری کار فراهم شد. نخستین تقسیم کار بزرگ اجتماعی زمانی پدید آمد که انسان موفق به اهلی کردن حیوانات شد. بدنبال آن قبایل شبانی خود را از سایرین جدا کردند. دومین تقسیم کار بزرگ اجتماعی بدنبال آن آمد که پیشه وران از کشاورزان جدا شدند. به این ترتیب تولید کنندگان مختلف، محصولات گوناگون تولید کردند، یعنی ارزش‌های مصرفی مختلفی به وجود آورده و در عین حال هر یک در کار خویش تخصص بیشتر یافته، ابزار کار خود را تکامل بخشیدند و از شرایط طبیعی استفاده کردند تا باروری کار خویش را بالا ببرند. بدین ترتیب مبادله پدید آمد و گسترش یافت و خود به یک ضرور بدل شد. زیرا انسان ها دیگر همه محصولات مورد نیاز خویش را خود تولید نمی کردند، بلکه می کوشیدند تا آن چیزی را تولید کند که در آن تخصص بیشتری دارند، به این امید و با این اطمینان که از طریق مبادله محصول خویش، سایر نیازمندی های خود را برطرف خواهند کرد.

پیدایش مبادله هنوز به معنای پیدایش تولید کالا نیست. مبادله مدت ها امری تصادفی یا فرعی بود. بدین معنا که دو کمون همسایه مقداری از محصولات خود را که اضافه بر نیازمندی خود آن ها بود با یکدیگر مبادله می کردند. اما از زمانی که پیشه وران جدا شدند از همان کالایی پدید آمد- بدین معنا که آن ها به جای این که شیئی مورد نیاز خود را بسازند از همان ابتدا این هدف را در برابر خویش گذارند که محصولی با ارزش مصرف اجتماعی و برای مبادله- یعنی کالا تولید کنند. مثلاً کوزه گر به یک کوزه بیشتر نیاز ندارد و به قول معروف حتی "از کوزه شکسته آب می خورد" یعنی از هزار کوزه ای که می سازد، به زحمت یکی برای مصرف خود اوست. بقیه کالاست: محصولی است که به قصد فروش ساخته شده است. این نوع تولید اجتماعی، که در آن تولیدکنندگان، کالا تولید می کنند، تولید کالایی نامیده می شود.

در جامعه برده داری و فئودالیسم در کنار اقتصاد مسلط، گروه تولیدکنندگان کوچک - پیشه وران - وجود داشت که به تولید کالایی مشغول بودند و کار آنها با گذشت زمان توسعه می یافت. تولید کالائی این تولیدکنندگان کوچک که در هیچ جامعه ای شیوه مسلط تولید نبوده،

تولید کالائی ساده نامیده می شود. مشخصات تولید کالائی ساده عبارتست از:

۱- تولید ساده کالائی بر مالکیت خصوصی تولیدکنندگان بر وسایل تولید و لذا محصول تولید

مبتنی است.

۲- تولید ساده کالائی بر تقسیم کار اجتماعی مبتنی است و مهارت در تولید محصول معینی را ایجاد می کند.

۳- بر کار شخص تولیدکننده متکی است و از نیروی کار انسان دیگری بهره کشی نمی کند.

راه توده ۱۷۵ ۰۵,۰۵,۲۰۰۸